

پاسخ خودارزیابی های علوم و فنون ادبی ۱ دهم علوم انسانی نویسنده و تدوین کننده : عطاءالله روشنی

«تقدیم به همه همکاران و دانش آموزان گرامی»



به نام خداوند جان و خرد

پایه دهم
دوره دوم متوسطه

ادبیات و علوم انسانی
علوم و معارف اسلامی

۱۱۰۲۰۳

علوم و فنون ادبی (۱)

پاسخ خودارزیابی های علوم و فنون ادبی ۱ نویسنده و تدوین کننده: عطاءالله روشنی

خبر ادبیات فارسی دبیرستان های شهرستان دهمکان - تیر ۱۳۹۹



@jozvehciti

خود ارزیابی درس اول « مبانی تحلیل متن »

۱- مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید؟

(هر چیزی که ذهن ما را به پویایی در آورد متن است. در این کتاب مقصود ما از متن، آثار شعر و نثر فارسی است. برای نمونه کتاب‌ها معمولاً متن دیداری هستند و اگر خواننده شوند به آن‌ها متن‌های شنیداری یا خوانداری می‌گویند. صداهایی که می‌شنویم (شنیداری)، بویی که حس می‌کنیم (بویایی)، مزه‌ای که می‌چشیم (چشایی) و... نیز متن محسوب می‌شوند.

۲- یکی از آسانترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟

متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر یعنی در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی، فکری.

۳- با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را درباره‌ی محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.

*... آب را گل نکنیم / در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب / یا که در بیشه‌دور، سیره‌ای پر می‌شوید / یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد / آب را گل نکنیم، شاید این آب روان می‌رود پای سپیداری تا فرو شوید اندوه دلی، دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب...
«سهراب سپهری»

این متن عرفانی است و سپهری با کمک گرفتن از طبیعت و با دیدگاه عرفانی، تلاش می‌کند مهربانی و دوستی را میان همه‌ی پدیده‌های هستی مطرح کند. شاعر در این شعر از شهر گمشده و سرزمین آرمانی‌اش سخن می‌گوید و خوش بین است و خوشبینی را القا می‌کند. آب تمثیلی است برای تمام زندگی، و گل نماد نادرستی و کثرتی است. روح بزرگ سپهری در این سروده مشهود است.

۴- در خوانش شعر زیر، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

* نهنگی بچه خود را چه خوش گفت به دین ما حرام آمد کرانه

به موج آویز و از ساحل بپرهیز همه دریاست ما را آشیانه
«اقبال لاهوری»

خوانش درست شعر (چشم خوانی) با هدف کشف لحن شعر، یکباره خواندن شعر بدون گسست، پس از خواندن شعر متوجه می‌شویم لحن خواندن این شعر، روایی داستانی است زیرا یک داستان کوتاه، با مفهوم تلاش و کوشش و دوری از سستی است که شاعر آن را به خواننده انتقال می‌دهد. در ابتدا متن به آهنگ نرم و ملایم خوانده می‌شود و در ادامه به تناسب فضای داستان و شخصیت‌ها، از لحن‌های دیگر بهره می‌جوید.

۵- سروده زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی «کنایه، تشبیه، تشخیص، مثل و مراعات نظیر» را شناسایی کنید.

*هر که زین گلشن لبی خندان تر از گل بایدهش خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدهش
خُرده ای از مال دنیا در بساط هر که هست جبههٔ وا کرده ای پیوسته چون گل بایدهش
هر که می خواهد که از سنجیده گفتاران شود بر زبان، بند گرانی از تأمل بایدهش
صبر بر جور فلک کن تا بر آبی رو سفید دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدهش
قطرهٔ آبی که دارد در نظر گوهر شدن از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدهش «صائب تبریزی»

بیت اول: چون توکل تشبیه / لب خندان گل تشخیص / گل و گلشن مراعات نظیر

بیت دوم: تشبیه جبهه (پیشانی) به گل جبهه وا کردن : کنایه از گشاده رویی

بیت سوم: بند گران به زبان داشتن کنایه از سکوت کردن

بیت چهارم: روسفید شدن کنایه / فلک تشخیص / مصرع دوم : ضرب المثل

بیت پنجم: قطره آب، ابر، دریا: مراعات نظیر / قطرهٔ آبی که دارد در نظر : تشخیص

۶- با توجه به متن زیر ، به پرسش ها پاسخ دهید

شنیدم که خلیفه‌ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همهٔ دندان‌های او بیرون افتادی به یک بار. بامداد، خوابگزاری را بخواند و پرسید که: «تعبیر این خواب چیست؟»

مُعبّر گفت: «زندگانی امیر، دراز باد، همهٔ اقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان که کس از تو باز نماند.»

خلیفه گفت: «این مرد را صد چوب بزنید؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟! چه اگر همهٔ اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن گاه، من که باشم؟!» خوابگزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی بگفت.

خوابگزار گفت: «بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی‌تر از همهٔ اقربای خویش بود.»

خلیفه گفت: «تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است)؛ اما از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.»

قابوس‌نامه

الف دو ویژگی زبانی را استخراج کنید.

۱- کاربرد «ی» استمراری در آخر فعل به جای «می» استمراری در اول فعل « پنداشتی (می پنداشت) ۲- کاربرد دستور تاریخی نمونه کاربرد «اندر» به جای «در» ۳- استفاده از واژه ی عربی «اقربا» به جای نزدیکان ۴- سادگی و روانی جملات ۵- کاربرد جمله های کوتاه : خوابگزاری دیگر بیاوردند

ب- چه عاملی سبب شد خلیفه ، رفتاری متفاوت با دو خوابگزار داشته باشد ؟

تفاوت در شیوه ی بیان ، توجه به موقعیت و مقتضای سخن ، انتخاب و گزینش کلمات و اصل بلاغت موجب شد خلیفه از دو گفته ، برداشت هایی متفاوت داشته باشد.

۷- حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری، بررسی کنید.

*روزی شخصی پیش بهلول، بی ادبی نمود. بهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟ او گفت: چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته اند .

گفت: آب و گل تو را نیکو سرشته اند، اما لگد کم خورده است ! « لطایف الطوایف »

قلمرو ادبی: آب و گل مراعات نظیر/ بی ادب، ادب: تضاد / آب و گل مجاز از وجود انسان / بهلول : تلمیح / آب و گل تو را نیک سرشته اند... ضرب المثل

قلمرو فکری: نویسنده در قالب طنز می گوید سرشت همه انسان هانیکو آفریده شده است و فقط تربیت موجب برتری و تفاوت انسان ها می شود. به اهمیت تربیت درست اشاره کرده است و با نگرش تعلیمی و اندرزی تلاش می کند بی ادبی را نکوهش کند.

خود ارزیابی درس دوم «سازه و عوامل تأثیر گذار در شعر فارسی»

۱- نمونه های زیر را بخوانید به آن ها را از دید آهنگ و موسیقی با هم مقایسه کنید و تفاوت آن ها را بیان کنید

(الف)

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود
محمل بدار ای ساربان، تند می مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می رود

سعدی

موسیقی و آهنگ این شعر ملایم و با کشش و امتداد آوایی همراه است البته وزن عروضی آن طرب انگیز است و با محتوای شعر همسویی ندارد.

(ب)

مرادر منزل جانان چه امن عیش چون هر دم جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها
شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها

حافظ

با خواندن بیت ها متوجه می شویم که در میانه ی هر مصرع درنگی منظم وجود دارد و گام های آوایی این شعر کوتاه و پی در پی هستند و همین نظم و آهنگ توازن پاره های کلامی را نمایان می سازد.

(پ)

بیا تا همه دستِ نیکی بریم جهانِ جهان را به بد نسپریم
نباشد همی نیک و بد پایدار همان به که نیکی بود یادگار

فردوسی

لحن حماسی و وزن و آهنگ کوبنده و با فشار آوایی همراه است.

(ت)

ای مَهر تو در دل ها، وی مَهر تو بر لبها وی شور تو در سرها، وی سَر تو در جانها
تا خار غم عشقت، آویخته در دامن کوتاه نظری باشد، رفتن به گلستانها
گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید چون عشق حرم باشد، سهل است بیابانها
گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش می گویم و بعد از من، گویند به دورانها

سعدی

در این شعر هر مصرع به دو پاره ی آوایی متوازن بخش شده . ابتدای پاره ها را با کشش و پایان آن ها را با کوبش همراه کرده است همین ویژگی بار موسیقایی شعر را بیشتر کرده است.



۲- نمونه های زیر را بخوانید و درباره ی تفاوت عواطف و حس و حال حاکم بر فضای شعر، گفت و گو کنید.

(الف)

ای نفسِ خرم بادِ صبا از برِ یار آمده‌ای، مَرَجبا
قافلهٔ شب، چه شنیدی ز صبح مرغ سلیمان، چه خبر از سبا؟
بر سرِ خشم است هنوز آن حریف یا سخنی می‌رود اندرِ رضا؟

غزلیات، سعدی

وزن این شعر سعدی شاد و طرب انگیز است، خشنودی، شور و هیجان در انسان ایجاد می کند گویی شادی و خوشی را می خواهد برای شنونده بازگو کند.

(ب)

زین درد، خون گریست سپهر و ستاره هم
بر سر زدند از آلم زادهٔ بتول
بستند راه مهلت او از چهار سو
کردند قتل عام به نوعی که شد قتیل
از کودکان آل نبی، شیرخواره هم
بر قتل شیرخواره نکردند اکتفا
تاراج برده‌اند ز کین، گاهواره هم
تنها نه نقش ماه، که نقش ستاره هم
بر خور نشست از اثر نعل میخ کوب

آن پیکر شریف چو بر روی خاک ماند
بر روی او پیاده گذشت و سواره هم

زین نظم، شد گشوده به رویم در آلم

بر قلب من نشست، ز مرهم، هزار هم

فدایی مازندرانی

شعر

فدایی مازندرانی بار معنایی واژه هایش بسیار سنگین است و غم و اندوه را به انسان انتقال می دهد وزن انتخاب شده با درون مایه و محتوای شعر متناسب است.



(پ)

معشوقه بسامان شد، تا باد چنین بادا
ملکی که پریشان شد، از شومی شیطان شد
یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی
زان خشم دروغینش، زان شیوه شیرینش
عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد
کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین بادا
باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا
غمخواره یاران شد، تا باد چنین بادا
عالم شکرستان شد، تا باد چنین بادا
عیدانه فراوان شد، تا باد چنین بادا

مولوی

مولوی در این شعر وزن و آهنگ تند و شادی آوری استفاده کرده و حالت شور و شوق عاشقانه به خواننده منتقل کرده است. هجاها کوتاه و ضربی است. وزن و عاطفه در این شعر باهم همسو هستند و تناسب دارند و این تناسب موجب افزایش اثرگذاری این سروده شده است.

(ت)

دیو پیش توست پیدا، زو حذر بایدت کرد
چون نخواهی کت زد دیگر کس جگر خسته شود
برگزین از کارها پاکیزگی و خوی نیک
نیکخو گفته است یزدان، مر رسول خویش را
چند نالی تو چو دیوانه ز دیو ناپدید
دیگران را خیره خیره دل چرا باید خلید
کز همه دنیا گزین خلق دنیا این گزید
خوی نیک است ای برادر، گنج نیکی را کلید

ناصر خسرو

حالت رسمی، خشک و مستقیم دارد و پند گویی و اندرز دادن برفضای شعر چیره

خود ارزیابی درس سوم «واج آرایی و واژه آرایی»

۱- در بیت های زیر، نمونه های واج آرایی را بیابید

* سرو را بین بر سماع بلبلان صبح خیز همچو سرمستان به بستان، پای کوب و دست زن «خاقانی»

واج آرایی صامت «س»، «ن» مصوت «آ»

* گو بهار دل وجان باش و خزان باش، ارنه ای بسا باغ و بهاران که خزان من و توست «هوشنگ ابتهاج»

«واج آرایی صامت «ن»، «ب»، مصوت «آ»

*سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هر چه بر سر ما می رود، ارادت اوست «حافظ»

«واج آرایبی صامت «س»، «ر»، «ت»/مصوت «آ»

*ای تکیه گاه و پناه زیباترین لحظه های / پر عصمت و پر شکوه تنهایی و خلوت من!

ای شطّ شیرین پر شوکت من! «مهدی اخوان ثالث»

«واج آرایبی «ت»، «ن»، «ش»

۲- در اشعار زیر، آرایه ی تکرار (واژه آرایبی) را بیابید

* عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست من که یک امروز، مهمان توام، فردا چرا؟ «شهریار»

امروز، فردا، تو

*در دل، چگونه یاد تو میرد یاد تو یاد عشق نخستین است «فروغ فرخزاد»

دل، یاد، تو

*زمانه قرعۀ نو می زند به نام شما خوشا شما که جهان می رود به کام شما «هوشنگ ابتهاج»

شما

*گر تو گرفتارم کنی، من با گرفتاری خوشم / و خوار چون خارم کنی، ای گل! بدان خواری خوشم «ابوالقاسم حالت»

گرفتار، خوار

*گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل گل از خارم بر آوردی و خار از پای و پای از گل «سعدی»

خار، پای

*بی عمر زنده ام من و این بس عجب مدار روز فراق را که نهد در شمار عمر «حافظ»

عمر

*پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود «مولوی»

پای، چوبین

*از ننگ چه پرسی که مرا نام ز ننگ است وز نام چه پرسی که مرا ننگ ز نام است «حافظ»

نگ، چه پرسی، مرا، نام

*گراظهار پشیمانی کند گردون مشو ایمن که بد عهد از پشیمانی، پشیمان زود می گردد «صائب»

پشیمانی

*یک عمر پریشانی دل، بسته به مویی است تنها سر مویی ز سر موی تو دورم «قیصر امین پور»

سر، مویی

*هر کجا دردی است درمانیش هست درد عشق است آن که درمانیش نیست «سلمان ساوجی»

درد، درمان، است

۳- غزلی از حافظ بیابید که نمونه ی مناسبی برای کاربرد واج آرایبی و واژه آرایبی باشد .

بر عهده دانش آموز

کارگاه تحلیل فصل اول

۱- شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید .

۱ شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

| | |
|--------------------------------|------------------------------------|
| در کتاب آمد که در عهد قدیم | خانه‌ای می‌ساخت سقراط حکیم |
| چون به پایان بُرد کار آن سرا | آمدند از ره، رفیق و آشنا |
| جمله گفتند: این بنای مختصر | نیست درخورد تو، ای صاحب نظر! |
| چون توانی زیستن در این قفس؟ | این قفس نبود مقام چون تو کس |
| بهر مردی چون تو والا و حکیم | بارگاهی باید و کاخی عظیم |
| در شبستان تو چون آییم جمع | همچو پروانه به گرد روی شمع؟ |
| گفت در پاسخ: که ما را باک نیست | عارفان را خانه الا خاک نیست |
| حُجره خود گر بدین سان ساختم | خانه‌ای درخورد یاران ساختم |
| بیش از این گر یار یکدل داشتم | بام خود تا عرش می‌افراشتم |
| در حقیقت یار یکدل، کیمیاست | چون صدف، کمیاب و چون دُر، پُربهاست |

نیره سعیدی، (میرفخرایی)

| شرح و توضیح | موضوع |
|---|------------------------|
| روایی و داستانی در ابتدا متن با آهنگ نرم و کشش آوایی خواننده می شود و در ادامه به تناسب تغییر فضای داستان و شخصیت ها از لحن های دیگر بهره می جوید. لحن روایی – داستانی باید به گونه ای باشد که میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه ی آن بر انگیزد و شوقی همراه با حالت انتظار در ذهن پدید آورد. | نوع لحن |
| به کار گیری «حکیم» به جای «دانشمند»، «سرا» به جای خانه / کاربرد در خورد» به جای «در خور» جمله ها ساده و کوتاه به کار گیری واژگان فارسی، / ساختمان بیشتر واژه ها ساده است. زبان شعر ساده و روان است. | قلمرو زبانی |
| قالب شعری: مثنوی / به کار گیری آرایه های لفظی: جناس: جمع، شمع، پاک، خاک / استعاره: قفس / تشبیه: همچو پروانه، یار یک دل چون صدف / مراعات نظیر: کیمیا، صدف و در، پربها | قلمرو ادبی |
| به این نکته می رسمیم که عارفان تعلق خاطر به دنیا و ظواهر دنیایی ندارند و در دنیای مادی کنونی انسانهای با معرفت و راستین بسیار کم و نایاب هستند | قلمرو فکری |
| نبودن دوست همدل، یار یکدل و روشن ضمیر بسیار گرانهاست و مردان حق تنها هستند. نوع ادبیات: تعلیمی، اندرزی | نتیجه گیری و تعیین نوع |

۲ حکایت زیر را بخوانید و برای هر قلمرو، چند ویژگی استخراج کنید.
پارسازاده‌ای را نعمت بیکران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد.
باری، به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛
یعنی خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.
چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن که می‌گویند ملاحان سرودی،
اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد، خشک رودی
عقل و ادب، پیش گیر و لهُو و لعب بگذار که چون نعمت سپری شود، سختی
بری و پشیمانی خوری.

پسر، این سخن در گوش نیاورد و بر قول من اعتراض کرد و گفت:
برو شادی کن ای یار دل افروز غم فردا، نشاید خورد امروز
دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند؛ روی از
مصاحبت بگردانیدم و قول حکما کار بستم که گفته‌اند:

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| گر چه دانی که نشنوند، بگوی | هر چه دانی ز نیک خواهی و پند |
| زود باشد که خیره سر، بینی | به دو پای او فتاده، اندر بند |
| دست بر دست می‌زند که دریغ | نشیدم حدیثِ دانشمند |

گلستان، باب هفتم



| قلمرو زبانی | قلمرو ادبی | قلمرو فکری |
|--|---|---|
| ۱- به کار گیری واژگان عربی فسق، فجور | ۱- سجع بین کلمات «روان و گردان | ۱- مدیریت خرج و دخل زندگی را نداشتن موجب پشیمانی می گردد. |
| ۲- جمله ها کوتاه هستند | ۲- به کار گیری تمثیل : اگر باران به کوهستان نبارد | ۲- کسانی که پند نپذیرند دچار حسرت و افسوس می شوند. |
| ۳- به کار گیری «لہو ولعب» به جای «خوش گذرانی | ۳- کنایه: دست بر دست زدن : کنایه از افسوس خوردن | ۳- توصیه به رعایت خردمندی و ادب رفتاری. |
| ۴- «... کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله «خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد. | ۴- تضاد میان: خشکی و باران | ۴- نوع ادبیات : تعلیمی - اندرزی |
| ۵- کاربردهای کهن: ملاح، خشک رود، پیشمانی خوردن- | ۵- کنایه: دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی کند | |

۳- نمونه های زیر را از دید حسّ و حال فضای شعری و عاطفی بررسی کنید .

* ای آن که غمگنی و سزاواری و ندر نهان سرشک غم همی باری

رفت آنکه رفت و آمد آن که آمد بود آن که بود خیره چه غم داری ؟ «رودکی»

فضای حاکم بر شعر سنگین و غم انگیز است و بین وزن و آهنگ با محتوا تناسب دارد .

* بیا تا گل برافشانیم و می در ساغراندازیم فلک راسقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم «حافظ»

ادبیات غنایی، عاطفی فضای حاکم بر شعر شاد و شورانگیز است محتوا با وزن و آهنگ تناسب دارد .

* این مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست تا جان و جامه بذل کنم بر پیام دوست

دل زنده می شود به امید وفای یـــــار جان رقص می کند به سماع کلام دوست «سعدی»

غنایی، اگر با لحن عاطفی خوانده شود بیشتر می توان با فضای شعر ارتباط برقرار کرد وزن شعر نرم، آرام و لطیف است .

* جامی است که عقل آفرین می زندش صد بوسه زمهر بر جبین می زندش

این کوزه گر دهر چنین جام لطیف می سازد و باز بر زمین می زندش «خیام»

تعلیمی ، وزن به کار رفته در این شعر سنگین است حس و حال متفکرانه و آمیخته به حسرت و اندوه دارد.
*خروشید کای فرخ اسفندیار هماوردت آمد بر آرای کار «فردوسی»

نوع شعر حماسی است وزن و آهنگ کوبنده و کوتاه است بار عاطفی حاکم بر این سروده پهلوانی - دلاوری و جسورانه است. نوع آن تعلیمی است. فضای عاطفی حاکم بر شعر ملایم و اندرزی

*وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی حاصل از حیات ای جان یک دم است تا دانی «حافظ»
نصیحت گرایانه است .

۴- در بیت های زیر ، نمونه های واج آرای و واژه آرای را بیابید .

* گوشه گرفتیم ز خلق وفایده ای نیست گوشه چشمت بلای گوشه نشین است «سعدی»
واج آرای صامت «گ» و «ش» - واژه آرای «گوشه»

* ما چون ز دری پای کشیدیم کشیدیم امید ز هر کس که بریدیم ، بریدیم «وحشی بافقی»
واج آرای مصوت «ای» ، صامت «م»

* دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند از گوشه بامی که پریدیم ، پریدیم «وحشی بافقی»
واج آرای صامت «ش - ک - د» ، واژه آرای کشیدیم ، پریدیم ، پریدیم

* در زلف تو بند بود داد دل ما در بند کمند بود داد دل ما

ای داد به داد دل ما کس نرسید از بس که بلند بود داد دل ما «قیصر امین پور»
واژه آرای «بند، دل ، داد ، ما» ، واج آرای صامت «د» ، مصوت «-»

* نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس ملالت علما هم ز علم بی عمل است «حافظ»
واج آرای «ل - م - ع» ، واژه آرای «بی عمل»

* اگر جنگ خواهی و خون ریختن بر این گونه سختی بر آویختن
بگو تا سوار آورم زابلی که باشند با خنجر کابلی «فردوسی»

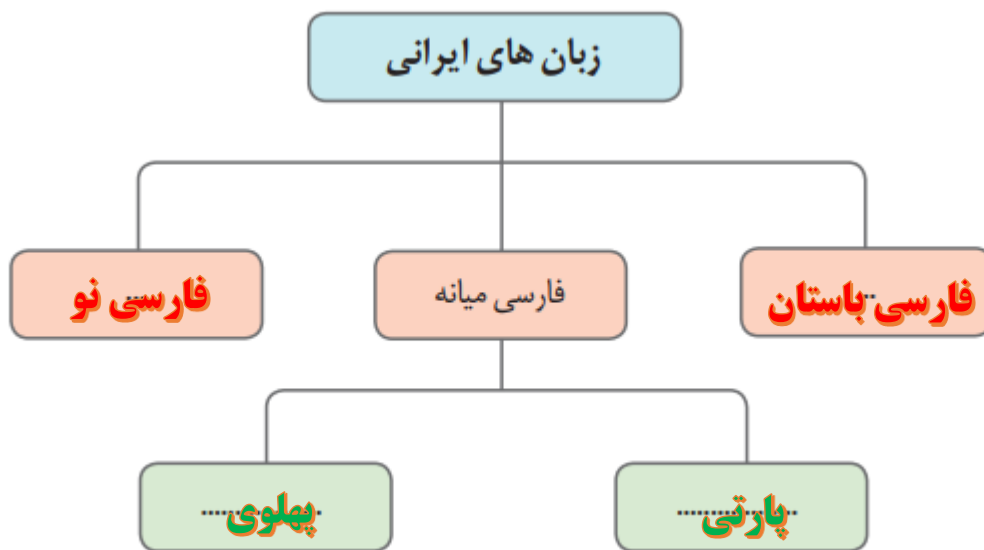
واج آرای صامت «نخ» مصوت «آ»

خودارزیابی درس چهارم «تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اولیه هجری»

۱- چرا به زبان فارسی نو، "فارسی دری" هم گفته می شود؟

زیرا زبان فارسی نو، زبان درباری ساسانیان، زبان اداری، زبان محاوره و مکاتبات دولتی بوده است.

۲- نمودار زیر را با توجه به آموزه های درس کامل کنید.



۳- عوامل رشد و گسترش زبان و ادب پارسی در این دوره زمانی (قرن های چهارم و پنجم هجری) را بنویسید.
الف) روی کار آمدن دولت سامانی در آغاز این دوره موجب رواج سنت های فرهنگی کهن ایرانی و رشد و شکوفایی نظم و نثر فارسی شد.

ب) بعضی از امیران سامانی، به شاعران و نویسندگان ایرانی توجه کردند و سبب گسترش فرهنگ و زبان ایرانی شدند. علاوه بر آنکه بعضی از آن امرا خود صاحب فضل بودند، مترجمان رانیز تشویق به ترجمه کتاب های گوناگون به نثر فارسی کردند و آثار ارزنده ای به زبان فارسی و عربی در این دوره نوشته شد.

ج) غزنویان برای ماندگاری حکومت خود، ناچار به گسترش زبان فارسی شدند تا پایان سلطنت مسعود، به شاعران و نویسندگان توجه می کردند.

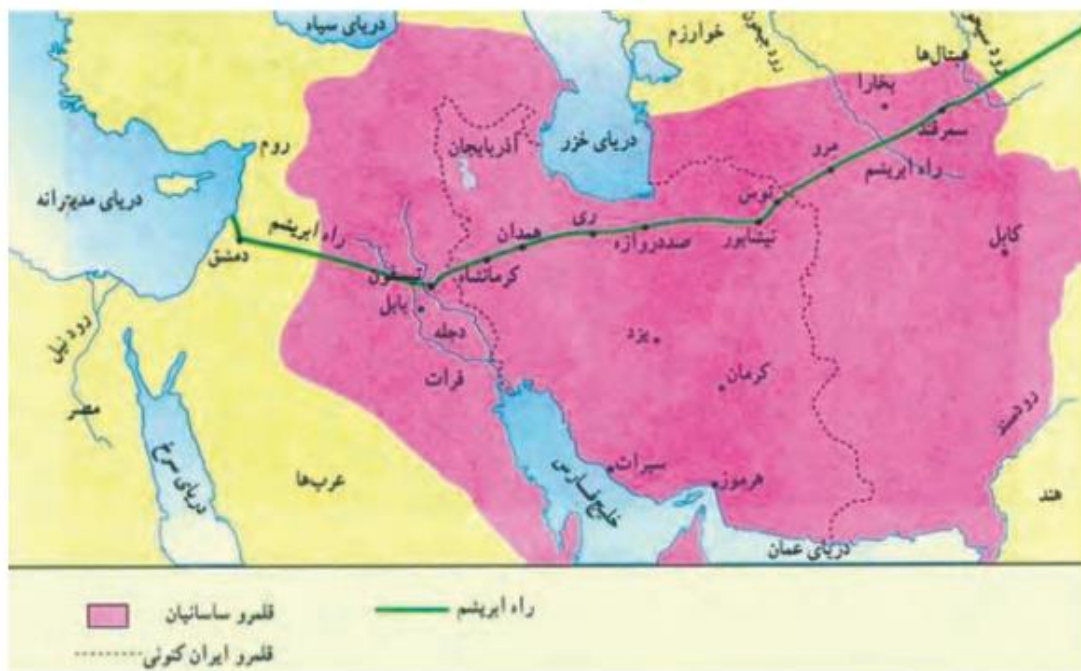
۴- مهم ترین کتاب های نثر این دوره کدامند و چه تأثیری بر وضعیت عمومی زبان و ادب فارسی داشتند؟

نثر این دوره همانند شعر پارسی، رواج یافت، کتاب های گوناگون در این دوره به پارسی دری نوشته شد. نثر این دوره ساده و روان بود و بیشتر به موضوع های حماسی، ملی و تاریخی توجه داشت. شاهنامه ی ابو منصور، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی از مهمترین کتابهای نثر این دوره هستند.

۵- درباره مضامین شعری این دوره توضیح دهید.

بیشتر به واقعیت بیرونی توجه داشتند و مفاهیم ذهنی آنها از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی رفت. داستان سرایی و قصه پردازی و آوردن حکایت و مثل ها نیز در شعر این دوره آغاز شد رایج ترین انواع شعر فارسی در قرن چهارم و نیمه ی اول قرن پنجم حماسی، مدحی و غنایی بود حماسی با فردوسی به اوج رسید. شعر مدحی به پیروی از شعر عربی معمول گشت و شاعران با مدح پادشاهان جایگاه خود را پیدا کردند. شعر غنایی با رودکی و شهید بلخی استحکام یافت شعر تعلیمی هم در این دوره به وجود آمد ولی در دوره ی سلجوقیان به پختگی رسید. آوردن قطعه و موعظه از آغاز قرن چهارم معمول شد : کسای مروزی و سپس ناصر خسرو قصیده ی کامل سرودند قلمرو شعر و نثر فارسی را در این دوره، روی نقشه نشان دهید هدف نقشه: دانش آموزان با توجه به میزان درک و دریافت خویش از آموزه های درس، این فعالیت را باید انجام دهند . فایده ی این تمرینها تبدیل کردن سواد خوانداری و حافظه به سواد بصری است . این کار ، بر ژرفایی و تعمیق آموخته ها کمک می کند

۶- قلمرو شعر و نثر فارسی را در این دوره روی نقشه نشان دهید.



۱- در شمال ایران تا خوارزم

۲- در شمال شرقی، بخارا، سمرقند و مرو تا مرز ترکستان

۳- در مشرق ایران، افغانستان تا مرز پاکستان

۴- در جنوب شرقی تا سرحد هندوستان

۵- در شمال غربی ایران، ارمنستان و گرجستان تا مرز کوه های قفقاز و روم شرقی .

۶- در مغرب ایران بین النهرین ، بغداد، تا بخشی از سوریه .

۷- در جنوب غربی ایران و جنوب بحرین تا مرز عربستان بوده است.

۸- توس در شمال شرق خاستگاه فردوسی و سمرقند خاستگاه رودکی شرق ایران محدوده اکثر شاعران شعر فارسی و بخارا مرکز فرهنگی اکراین در دوره سامانیان در قرن ۴ و نیمه دوم قرن ۵ بوده است.



خودارزیابی درس پنجم «هماهنگی پاره های کلام»

۱- صامت ها و مصوت های مصرع اول بیت نخست را مشخص کنید .

نشاید که خوبان به صحرا روند همه کس شناسند و هر جا روند

حلاست رفتن به صحرا ،ولیک نه انصاف باشد که بی ما روند «سعدی»

ن - اِ | شَا | یَدِ | کِ | خُو | اِ | بَانِ | بِ | اِ | صَحْ | اِ | رَا | رَا | وَنَدَ

صامت + مصوت | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م | ص + م

۲- هربیت را به هجاهای تشکیل دهنده آن تجزیه کنید؛ سپس هر هجا را با علامت خاص آن بنویسید.

عجب نیست از گل که خندد به سروی که در این چمن پای در گل نشیند «طیب اصفهانی»

| | | | | |
|-----------------|-----------|-----------|----------|----------|
| پایه های آوایی | ع ج ب ن ی | س ت از گل | ک خ ن د | ب س ر وی |
| وزن (اسم رکن) | فَعولن | فَعولن | فَعولن | فَعولن |
| نشانه های هجایی | --U | --U | --U | --U |
| ک در این | چ م ن پا | ی در گل | ن ش ی ند | |

اگر هوشمندی به معنی گرای که معنی بماند نه صورت به جای «سعدی»

| | | | | |
|-----------------|----------|-----------|----------|---------|
| پایه های آوایی | ا گر ه و | ش م ن دی | ب م ع نی | ک ر ا ی |
| وزن (اسم رکن) | فَعولن | فَعولن | فَعولن | فَعولن |
| نشانه های هجایی | --U | --U | --U | -U |
| ک مع نی | ب ما ند | ن ص و ر ت | ب م ع نی | ب ج ا ی |

۳- در بیت زیر چند هجای کوتاه وجود دارد؟

تارنج تحمل نکنی، گنج نبینی تا شب نرود، صبح پدیدار نباشد «سعدی»

در مصرع اول ۴ هجای کوتاه - مصرع دوم ۴ هجای کوتاه .

۴- برای کاربردهای گوناگون (صامت، مصوت) هریک از واج های زیر، نمونه هایی بنویسید.



۵- علامت هجاهای کدام بیت، چهار بار تکرار شده است؟

«الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها» «حافظ»

| | | | | |
|-----------------|------------|------------|------------|------------|
| پایه های آوایی | ا لا یا ای | ی هس سا قی | ا در کأ سن | و نا ول ها |
| وزن (اسم رکن) | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن |
| نشانه های هجایی | -- U-- | -- U-- | -- U-- | -- U-- |

خلوتم چراغان کن، ای چراغ روحانی ای ز چشمه نوشت، چشم دل چراغانی «شهریار»

| | | | | |
|-----------------|----------|-------------|-----------|------------|
| پایه های آوایی | خل و تم | چ را غان کن | ای چ را | غِ رو حانی |
| وزن (اسم رکن) | فاعلن | مفاعیلن | فاعِلن | مفاعیلن |
| نشانه های هجایی | - U - | --- U | - U - | --- U |
| ای ز چش | م ی نوشت | چش م دل | چ را غانی | |

من از این جا به ملامت نروم که من این جا به امیدی گروم «سعدی»

| | | | |
|-----------------|------------|----------|--------|
| پایه های آوایی | م ن زین جا | ب م لامت | ن ر وم |
| وزن (اسم رکن) | فعلانن | فعلانن | فعلن |
| نشانه های هجایی | -- U U | -- U U | - U U |
| ک م نین جا | ب ا می دی | ک ر وم | |

خودارزیابی درس ششم «سجع و انواع آن»

۱- در اشعار و جمله های زیر، سجع را بیابید.

* بزرگان گفته اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است. **سعدی**

کوشیدن و جوشیدن : متوازی

* الهی به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم، به یاد تو شادانیم و به یافت تو ناتوانیم. **خواجه عبدالله**

زندگانیم و آبادانیم : مطرف | شادانیم و ناتوانیم : مطرف

* سر عشق، نهفتنی است نه گفتنی و بساط مهر، پیمودنی است نه نمودنی **مقامات حمیدی**

نهفتنی و گفتنی: مطرف | پیمودنی و نمودنی: مطرف

* من مانده ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او

گویی که نیشی دور از او در استخوانم می رود **سعدی**

مهجور و رنجور و دور: مطرف

۲- عبارت زیر را می توان مسجع نامید؟ دلیل خود را بنویسید.

* پادشاهی او راست زبینه، خدایی او راست در خورنده، بلندی و برتری از درگاه او جوی و بس. جهانگشای جوینی

بله، زیرا واژگان زبینه و در خورنده در پایان جمله به قرینه آمده اند و چون در حروف پایانی مشترک هستند اما

وزنشان یکی نیست سجع مطرف دارند

۳- در عبارت زیر، واژه های سجع کدام اند؟ وجه اشتراک آنها را بنویسید.

* تنی چند متفق سیاحت بودند و شریک رنج راحت. **گلستان سعدی**

سیاحت و راحت - وجه اشتراکشان واج های پایانی آنهاست.

۴- واژه های و..... در عبارت زیر، سجع متوازی دارند.

* جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد. **گلستان سعدی**

بدهد و بنهد

۵- در هر عبارت، سجع را بیابید و نوع آن را مشخص نمایید.

* محبت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست. **تذکره الاولیا، عطار**

غایت و نهایت: مطرف

* پشت و پناه سپاه من بود، در دیده دشمنان خار و بر روی دوستان خال.

خار و خال : متوازن

* فلان را کرم بی شمار است و هنر بی حساب، دارای عزمی است متین و طبعی کریم.

بی شمار و بی حساب: متوازن | متین و کریم : متوازن

* ظاهر درویشی، جامه زنده است و موی سترده و حقیقت آن، دل زنده و نفس مرده.

زنده و سترده: مطرف | زنده و مرده: متوازی

* ارادت بی چون، یکی را از تخت شاهی فروارد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.

فروارد و دارد: مطرف

۶- در متن زیر، سجع ها را بیابید، نوع هر یک را مشخص نمایید و درباره ارزش موسیقایی هر یک اظهار نظر کنید.

«صیاد بی روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی اجل در خشک نمیرد. دو چیز محال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم. به نانهاده، دست نرسد و نهاده، هر کجا هست، برسد. هر که به تأدیب دنیا راه صواب نگیرد، به تعذیب عقبی گرفتار آید.»

گلستان سعدی

نگیرد بمیرد، مقسوم - معلوم، نرسد - برسد: (سجع متوازی هستند/ نگیرد و آید: (سجع مطرفند) / ارزش سجع متوازی از همه ی سجع ها بیشتر است و سجع مطرف ارزش موسیقایی کمتری دارد .

کارگاه تحلیل فصل دوم

۱ نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو زبانی بررسی کنید.

| | |
|---|--|
| آلا یا خیمگی، خیمه فروهل تبیره زن بزد، طبل نخستین نماز شام نزدیک است و امشب ولیکن ماه دارد قصدِ بالا | که پیشاهنگ، بیرون شد ز منزل شتربانان همی بندند محمل مه و خورشید را بینم مقابل فروشد آفتاب از کوه بابل |
|---|--|

منوچهری

۱- کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره های بعد مانند خیمگی، فروهل و تبیره زن

۲- کمی واژگان عربی

۳- سادگی زبان شعر

۴- به کار گیری فعل های پیشوندی مانند: فروهل و فرو شد

۵- فراوانی ساخت های ترکیبی به نسبت شعر رودکی مانند پیشاهنگ و شتربانان

۶- استفاده از شبکه معنایی ماه و خورشید و آفتاب



۲ نمونه های زیر را از نظر ویژگی های قلمرو ادبی بررسی کنید.

(الف)

«نوشته اند: درزی ای و جولاهه ای با هم دوستی داشته اند و چون به هم بنشستند، می گفتندی که این کار این شیخ، هیچ بر اصل نیست. روزی با یکدیگر می گفتند که این مرد دعوی کرامت می کند؛ بیا تا هر دو به نزدیک وی در شویم؛ اگر شیخ بداند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشه ما چیست، بدانیم که او بر حق است و آنچه می کند، بر اصل است. هر دو مُتَنگروار به نزدیک شیخ ما درآمدند. چون چشم شیخ بر ایشان افتاد، گفت: به فلک بر، دو مرد پیشه ورنند زان یکی درزی و دگر جولاه پس اشارت به درزی کرد و گفت: این ندوزد، مگر قبای ملوک آنگه اشاره به جولاهه کرد و گفت: وان نبافد، مگر گلیم سیاه ایشان هر دو خجل گشتند و در پای شیخ افتادند و از آن انکار، توبه کردند.»

اسرار التوحید، محمد بن منور

۱- به کار گیری شعر در میان نثر

۲- کاربرد کنایه مانند: در پای کسی افتادن: کنایه از عذر خواهی کردن و اظهار پشیمانی کردن

۳- به کار گیری سجع در سخن: ندوزد و نبافد

۴- مراعات نظیر: درزی و جولاه قسمت



(ب)

«ملک گفت: آورده‌اند که بازرگانی غلامی داشت دانا و زیرک سار و بیدار بخت. بسیار حقوق بندگی بر خواجه ثابت گردانیده بود و مقامات مشکور و خدمات مقبول و مبرور بر جراید روزگار ثبت کرده.

روزی خواجه گفت غلام را: «ای غلام، اگر این بار دیگر سفر دریا برآوری و باز آیی، تو را از مال خویش آزاد کنم و سرمایه‌ی وافر دهم که کفاف آن را پیرایه‌ی عفاف خود سازی و همه عمر پشت به دیوار فراغت باز دهی.» غلام این پذیرفتاری از خواجه بشنید، به روی تقبل و تکفل پیش آمد و بر کار اقبال نمود. بار در کشتی نهاد و خود در نشست. روزی دو سه، بر روی دریا می‌راند. ناگاه بادهای مخالف از هر جانب برآمد، سفینه را در گردانید و بار آبگینه‌ی املش خرد بشکست. کشتی و هرچ درو بود، جمله به غرقاب فنا فرو رفت و او به سنگ‌پشت بحری رسید؛ دست درو آویخت و خود را بر پشت او افکند تا به جزیره‌ای افتاد که درو نخلستان بسیار بود؛ یک چندی در آن جایگه از آنچ مقدور بود، قوتی می‌خورد...»

مرزبان نامه، سعدالدین وراوینی

۱- رواج نثر داستانی

۲- استفاده از آرایه های ادبی : بار سفر بستن کنایه از آماده ی سفر شدن ، دیوار فراغت: تشبیه، مراعات نظیر: بحر، سفینه ، کشتی

۳ نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو فکری بررسی کنید.

ای خواجه، رسیده‌است بلندیت به جایی کز اهل سماوات به گوش تو رسد صوت!
گر عمر تو چون قد تو باشد به درازی تو زنده بمانی و بمیرد ملک الموت

انوری

۱- شعر با طنز و انتقاد اجتماعی همراه است

۲- نکوهش بی توجهی به مردم و نشنیدن صدای آنان

۴ با ذکر دلیل بنویسید چرا دو مصرع بیت زیر هم وزن است؟
بشنو از نی چون حکایت می کند از جدایی ها شکایت می کند

مولوی

زیرا ترتیب و تعداد هجاها در هر دو مصرع یکی است یعنی هجاهای کوتاه و بلند آن ها در مقابل هم قرار می گیرند.

| | | | |
|-----------------|------------------|--------------------|------------|
| پایه های آوایی | بش نَ وَ زَ نِی | چُن حِ کَ اِ یَت | مِی کُ نَد |
| | اِز جُ دَ اِ یِی | هَ اِ شِ کَ اِ یَت | مِی کُ نَد |
| وزن (اسم رکن) | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلتن |
| نشانه های هجایی | -- U -- | -- U -- | - U - |

۵- در جملات زیر، انواع سجع را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

الهی اگر بهشت، چون چشم و چراغ است، بی دیدار تو، درد و داغ است.

خواجه عبدالله انصاری

چراغ و داغ: مطرف

طالب علم، عزیز است و طالب مال، ذلیل.

خواجه عبدالله انصاری

عزیز و ذلیل: متوازن

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده، و خوان نعمت بی دریغش، همه جا کشیده.

سعدی

رسیده و کشیده: متوازی

این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون مرصع

سعدی

مرقع و مرصع: متوازی

در ایام طفولیت متعبد و شب خیز بودم و مولع زهد و پرهیز.

سعدی

شب خیز و پرهیز: متوازی

۶- نوع سجع دو واژه زیر را بنویسید و به جای واژه دوم، واژه ای بگذارید که بالاترین ارزش موسیقایی را در میان سجع ها داشته باشد.

شاد: باد نام

یاد و نام سجع متوازن دارند . شاد و یاد که سجع متوازی می سازد و بالاترین ارزش موسیقایی را دارد بام و نام سجع متوازی می سازد و بالاترین ارزش موسیقایی را دارد.

خودارزیابی درس هفتم «سبک خراسانی»

۱ با توجه به شعر زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

| | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| نبرد دندان، لا، بل چراغ تابان بود | مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود |
| ستاره سحری بود و قطره باران بود | سپید سیم زده بود و در و مرجان بود |
| چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود | یکی نماند کنون زان همه، بسود و بریخت |
| چه بود؟ منت بگویم: قضای یزدان بود... | نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز |
| دل‌نشاط و طرب را فراخ میدان بود | همیشه شاد و ندانستمی که غم چه بود |
| بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود | تو رودکی را، ای ماهرو، کنون بینی |
| سرودگویان، گویی هزاردستان بود | بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی |
| شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود | شد آن زمانه که شعرش همه جهان بنوشت |
| عصا بیار که وقت عصا و انبان بود | کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم |

رودکی

الف) شعر رودکی را از نظر ویژگی های ادبی بررسی نمایید.

۱- قالب شعر قصیده است . ردیف بود / قافیه، دندان که با کلمات کیوان و تابان و ... هم قافیه است در واقع قافیه و ردیف بسیار ساده است .

۲- شعر واقع گراست و توصیفات طبیعی ، ساده ، محسوس و عینی است .

۳- استفاده از آرایه های ادبی ، طبیعی و در حد اعتدال است.

۴- بیت دوم تلمیح دارد به تاثیر گذاری اجرام آسمانی بر سرنوشت انسان

۵-واژه آرایبی (تکرار):نحس بیت ششم تشبیه ،بیت هفتم تکرار واژه های شد ، زمانه ،، روی و موی جناس ،، واج آرایبی مصوت بلند(ا) و ...

۶-شعر جنبه پند و اندرز دارد تعالیم ساده و عملی در آن دیده می شود . عبرت گرفتن از این جهان گذرا بیان اینکه هیچ چیز پایدار نیست و هر پدیده ای محکوم به فناست . فکرو کلام ساده است.

ب) ویژگی های زبانی این شعر چیست؟

۱- کمی واژگان عربی

۲- کاربرد بیشتر کلمات فارسی

۳- بیشتر واژگان ساختمان ساده دارند : نحس، کیوان

۴- به کارگیری واژگان کهنه و نامانوس مانند: بسود

۵- به کارگیری «ی» استمراری، به جای «می» (ندانستمی : نمی دانستم)

۶- افزودن «ب» بر سر فعل ماضی (بسود و بریخت)

۲ متن زیر مربوط به کدام دوره نثر است؟ دو مورد از ویژگی های نثر این دوره را بنویسید.
« چهاردهم صَفَر را به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر از شهر سراب برفتم.
بیستم صفر سنه ۴۳۸ به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور قدیم بود؛ شهری
آبادان؛ مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد. بعضی از شهر خراب شده بود
و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند؛ و در
تبریز، «قطران» نام، شاعری را دیدم؛ شعری نیک می گفت؛ اما زبان فارسی نیکو
نمی دانست؛ پیش من آمد؛ دیوان مُنجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند
و هر معنی که او را مشکل بود، از من بپرسید و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من
خواند.»

سفرنامه، ناصر خسرو

۱- حذف فعل به قرینه : و آن پنجم شهریور قدیم بود، شهری آبادان (بود)

۲- آوردن ب در فعل ماضی: برفتم jozvehcity.ir

۳- کوتاهی جمله ها

۴- افزایش به کارگیری واژگان عربی نسبت به دوره های قبل سنه، هلاک

۵- توصیفات جزئی

۶- افزودن «ب» بر سر افعال (برفتم ، بخواند، بیاورد، پیرسید و بنوشت)

۷- به کار بردن «را» در معنی «برای» مرا حکایت کردند: هر معنی که او را مشکل بود (برای)، بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود (به)

۳ دو مورد از ویژگی های نثر زیر را بنویسید.

«به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست چنان که رسم ملوک بود؛ و رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر، بوذرجمهر، گفت: «ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟»
بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان!»

خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟
بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده اند.»»

قابوس نامه، کیکاووس

۱- قابوس نامه از جمله نثرهای موفق دوره غزنوی سلجوقی است.

۲- کوتاه بودن جمله ها

۳- کمی واژگان عربی

۴- به کارگیری واژگان کهنه و مهجور

۵- جابه جایی اجزای جمله: رسولی آمد از روم .

۶- به کارگیری اندر به جای در

۷- به کار بردن کلماتی که امروزه رواج کمتری دارند: طیره ، بار داد ، خدایگان

۸- کاربرد «ب» اول فعل ماضی ساده بنشست.

خودارزیابی درس هشتم «وزن شعر فارسی»

۱- نام و نام خانوادگی خود را با خط عروضی بنویسید.

۲- هجاهای بیت زیر را، مشخص کنید.

*مروت نباشد بر افتاده زور برد مرغ دون، دانه از پیش مور سعدی

| | | | | |
|-----------------|-------------|--------------|-------------|----------|
| پایه های آوایی | مُ ر و ت | نَ با ش د | بَ رَ فَ تا | دِ ز و ر |
| وزن (اسم رکن) | فَعولن | فَعولن | فَعولن | فَعِل |
| نشانه های هجایی | --U | --U | --U | -U |
| | بَ ر د مَ ر | غَ د و ن د ا | نَ از بَ ی | شِ م و ر |

۳- واژه های زیر را با خط عروضی بنویسید و مرز هر کدام از واژه ها را که بیش از یک هجا دارد، مشخص کنید.

*رهایی = ر ه ا ی ی (-- U) *لانه = ل ا نِ (U -) *خویشتن شناسی = خ ی ش ت ن ش ن ا س ی (-- U - U -)
 *محبت = م ح ب ت (-- U) *دلنوازان = د ل ن و ا ز ا ن (-- U -) *نیکو = ن ی ک و (--) *خواهش = خ ا ه ش (--)
 *رهرو = ر ه ر و (--) *بزرگراه = بُ ز ر گ ر ا ه (U - U - U) *بنفشه = ب ن ف شِ (U - U) *ملائت = م ل ا ل ت (-- U -)
 *التماس = ا ل ت م ا س (U - U -) *خود = خُ د (-) *سفینه = س ف ی نِ (U - U) *چون = چُن (-)
 *پشتوانه = پ ش ت و ا نِ (U - U -) *مجموعه = م ج م و عِ (U --) *روزنه = ر و ز نِ (- U -)
 *خواستن = خ ا س ت ن (- U -) *مؤذن = مٌ نذ نِ (-- U) *کاشته = ک ا ش تِ (- U -) *راهوار = ر ا ه و ا ر (U - U -)

۴- واژه های زیر را یک بار با حذف همزه و بار دیگر با همزه بخوانید و به خط عروضی بنویسید.

| واژه | حذف همزه | نشانه هجایی | بدون حذف همزه | نشانه هجایی |
|----------|----------|-------------|---------------|-------------|
| سرآمد | سرآمد | --U | سرآمد | --- |
| دل انگیز | دلنگیز | U--U | دل ان گیز | U--- |
| جنگ آور | جنگاور | --- | جنگ آ اور | --U- |
| شب آهنگ | شباهنگ | U--U | شب آ هنگ | U--- |
| شیر افکن | شیرفکن | --- | شیر اف کن | --U- |
| دارآباد | دارآباد | U--- | دار آ باد | U--U- |

۵- ابیات زیر را درست بخوانید و با خط عروضی بنویسید. سپس مرز هجاها را مشخص کنید. و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید.

با من بگو ماهی بگو، مهری بگو، ماهی بگو، خوابی خیالی چیستی، اشکی بگو آهی بگو **اوستا**

| | | | | | |
|-----------------|-----------|----------|------------|-----------|----------|
| پایه های آوایی | با من بگو | ماهی بگو | تاکسی تی | مه ری بگو | ماهی بگو |
| | خابی خ یا | آهی بگو | لی چی س تی | اش کی بگو | آهی بگو |
| وزن (اسم رکن) | مستعلن | مستعلن | مستعلن | مستعلن | مستعلن |
| نشانه های هجایی | - U - - | - U - - | - U - - | - U - - | - U - - |

بر سر آنم که گرز دست بر آید دست به کاری زخم که غصه سر آید **حافظ**

| | | | | |
|-----------------|----------|-----------|-----------|----|
| پایه های آوایی | بر سر آ | نم ک گرز | دست ب را | ید |
| | دست ب کا | ری ز نم ک | غص ص س را | ید |
| وزن (اسم رکن) | مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فج |
| نشانه های هجایی | - U U - | U - U - | - U U - | - |

۶- تقطیع هجایی ابیات زیر را انجام دهید.

*کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بودهای نهفته که پیدا کنم تو را؟ **فروغی بسطامی**

| | | | | |
|-----------------|---------|------------|-----------|---------|
| پایه های آوایی | کی رف ت | ای ز دل ک | ت من تا ک | نم ت را |
| | کی بو د | ای نه هف ت | ک پی دا ک | نم ت را |
| وزن (اسم رکن) | مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعیل |
| نشانه های هجایی | U - - | U - U - | U - - U | - U - |

*آینه ار نقش تو بنمود راست خودشکن، آینه شکستن خطاست نظامی

| | | | |
|-----------------|------------|---------------|------------|
| پایه های آوایی | آ ی ن ا ر | ن ق ش ت ب ن | م و د راست |
| | خ د ش ک نا | ئ ی ن ش خ ک س | ت ن خ طاست |
| وزن (اسم رکن) | مفعولن | مفعولن | فاعلن |
| نشانه های هجایی | - U U - | - U U - | - U - |

*اگر کاری کنی مزدی ستانی چو بیکاری، یقین بی مزد مانی ناصر خسرو

| | | | |
|-----------------|------------|-------------|--------|
| پایه های آوایی | ا گر کا ری | ک ئی مز دی | س تانی |
| | چ بی کا ری | ی قین بی مز | د مانی |
| وزن (اسم رکن) | مفاعیلن | مفاعیلن | فعلولن |
| نشانه های هجایی | - - - U | - - - U | - - U |

۷- با توجه به علامت هجاها، کدام واژه ها با حذف همزه، تلفظ شده اند؟

باد آورده: U--- حذف همزه

پلنگ افکن: U-U-- بدون حذف

دانش آموز: U--- بدون حذف

گل اندام: U--- بدون حذف

پیام آور: U--- حذف همزه

خوش اندام: U-U- حذف همزه

کار آزموده: U-U-- حذف همزه



خودارزیابی درس نهم «موازنه و ترصیع»

۱- کدام بیت ها ، آرایه موازنه به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

*گر عزم جفا داری سر در رهت اندازم ور راه وفا گیری، جان در قدمت ریزم سعدی

موازنه ندارد زیرا در این بیت کلمات دو به دو باهم سجع متوازن یا متوازی ندارند. اندازم و ریزم سجع مطرف هستند .

*ز گرز تو خورشیدگریان شود ز تیغ تو بهرام بریان شود فردوسی

موازنه دارد زیرا همه واژه ها مقابل هم سجع متوازن دارند و واژه های بریان و گریان سجع متوازی دارند.

*جفا پل بود، بر عاشق شکستی وفا گل بود، بر دشمن فشاندی خاقانی

موازنه دارد زیرا در بیت سجع متوازن و متوازی وجود دارد کلمات وفا، جفا - پل و گل متوازی اند.

*همه شوری و نشاطی، همه عشقی و امیدی همه سحری و فسونی، همه نازی و خرامی شفیعی کدکنی

موازنه است زیرا سجع متوازن در بیت وجود دارد.

*تیر بلای او را جز دل هدف نباشد تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد خواجوی کرمانی

موازنه است زیرا کلمات دو به دو سجع متوازن دارند به جز واژه های بلا و جفا که سجع متوازی است.

*در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز وز لعل شکربار، می و نقل فرو ریز عراقی

موازنه ندارد.

*پرواز به آنجا که نشاط است و امید است پرواز به آنجا که سرود است و سرور است فریدون مشیری

موازنه دارد زیرا همه واژه های مقابل هم سجع متوازن یا متوازی دارد.

*نظر تا کنی عرض نقل است و می نفس تا کنی، حرف چنگ است و نیا بیدل دهلوی

موازنه دارد. زیرا واژه های مقابل هم به جز می و نی سجع متوازن دارند.

۲-در کدام از ابیات، شاعر از آرایه ترصیع ، بهره برده است ؟ دلیل انتخاب خود را بنویسید.

*عالم همه عابدند و معبود یکی است دنیا همه ساجدند و مسجود یکی است فرخی یزدی

موازنه دارد زیرا عالم و دنیا سجع متوازن دارند و بقیه کلمات سجع متوازی دارند.

=====

* چرا نهم؟ نهم دل بر خیالت چرا ندهم؟ دهم جان در وصالت **خاقانی**
موازنه دارد زیرا دل و جان سجع متوازن دارد و بقیه کلمات در بیت سجع متوازی دارند.

* چرا مطرب نمی خواند سرودی؟ چرا ساقی نمی گوید درودی؟ **ابتهاج**
آرایه ترصیع ندارد زیرا واژه های مطرب و ساقی سجع متوازن هستند پس موازنه است.

* راه وصل تو، راه پر آسیب درد عشق تو، درد بی درمان **هاتف اصفهانی**
موازنه دارد زیرا واژه های بیت مقابل هم سجع متوازن دارند.

* ما ز بالاییم و بالا می رویم ما ز دریاییم و دریا می رویم **مولوی**
ترصیع دارد زیرا تمام واژه ها دو به دو سجع متوازی دارند.

۳- کدام بیت از نظر کاربرد «سجع» ارزش موسیقایی بیشتری دارد؟

* هم عقل دویده در رکابت هم شرع خزیده در پناهت **جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی**
موازنه دارد.

* ما برون را ننگریم و قال را ما درون را بنگریم و حال را **مولوی**
ترصیع دارد. این بیت ارزش موسیقایی اش بیشتر است زیرا همه ی کلمات دو به دو سجع متوازی دارند و آرایه ی ترصیع را ایجاد کرده اند. سجع متوازی ارزش موسیقایی اش از سجع متوازن بیشتر است.

۴- شاعر در ابیات زیر، برای بهره گیری از آرایه سجع چه شیوه ای را به کار گرفته است؟ توضیح دهید.

* بهاری کز دو رخسارش، همی شمس و قمر خیزد / نگاری کز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد **کلیله و دمنه**
از موازنه استفاده کرده است موازنه موجب افزایش موسیقی درونی شعر می شود.

* برگ بی برگی بود ما را نوال مرگ بی مرگی بود ما را حلال **مولوی**
شاعر با استفاده از ترصیع و تقابل سجع های متوازی در هر دو مصراع افزایش موسیقی درونی شعر بسیار افزوده است. در ضمن آرایه پارادوکس زیبایی نیز در آن موجود است.

* ما چو ناییم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست **مولوی**
شاعر با به کار گیری موازنه تلاش کرده است بر بار موسیقی شعر خود بیفزاید.

۵- در تقطیع هجایی هر بیت زیر، چند هجای کشیده دیده می شود؟

* هر که تامل نکند در جواب بیشتر آید سخنش ناصواب **سعدی**

| | | | |
|-----------------|-------------|-------------|-----------|
| پایه های آوایی | هر ک ت اُم | م ل ن ک ن د | در ج و اب |
| | ب ی ش ت ر ا | ی د س ح ن ش | نا ص و اب |
| وزن (اسم رکن) | مفعَلن | مفعَلن | فاعِلن |
| نشانه های هجایی | - U U- | - U U- | - U- |

در مصرع اول کلمه «جواب» هجای آخر «واب» کشیده است و نیز در مصرع دوم کلمه «ناصواب» هجای آخر «واب» کشیده است که البته به خاطر وجود اختیار زبانی هجای پایانی در اشعار اگر کشیده باشند به هجای بلند تبدیل خواهند شد.

همچنین در مصرع دوم واژه «بیشتر» هجای اول «بیش» هجای کشیده است

*چند پرسى زمن چيستم من نيستم نيستم نيستم من
ميرزا حبيب خراسانى

| | | | |
|-----------------|---------------|-------------|---------|
| پایه های آوایی | چ ن د پ ر س ی | ز م ن ج ی س | ت م م ن |
| | ن ی س ت م ن ی | س ت م ن ی س | ت م م ن |
| وزن (اسم رکن) | فاعِلان | مفاعِلن | فَعْلن |
| نشانه های هجایی | - - U- | - - - U | - - |

چند، چیس، نیس، نیس، نیس، در کل ۵ هجای کشیده دارد.



کارگاه تحلیل فصل سوم

۱ نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو زبانی بررسی کنید.

بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی راه او زیر پایم پرنیان آید همی
آب جیحون از نشاط روی دوست خنگ ما را تا میان آید همی
ای بخارا، شاد باش و دیر زی میر، زی تو شادمان آید همی

رودکی

الف) به کارگیری واژگان کهنه و مهجور مانند «خنگ»

ب) کمی واژگان عربی

پ) سادگی زبان

ت) به کارگیری همی به جای می

ث) سادگی و کوتاهی جملات

۲ نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو ادبی بررسی کنید.

و بدان که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید؛ چنان
که پیغامبر علیه السلام فرمود: **أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْقَلَمَ**، و قلم را
فرمود که بر لوح بگردد و بنویس هر چه تا قیامت بخواهد بود؛ پس
هر چه خواست آفریدن و خواست بودن تا رستخیز، همه قلم بنوشت
به امر حق — عز و جل —.

تاریخ بلعمی

الف) تلمیح به آفرینش

ب) تضمین اول ما خلق الله

ت) تکرار یا واژه آرایبی: خواست

۳- در کدام یک از بیت ها، شاعر از آرایه ترصیع، بهره برده است؟ دلیل انتخاب خود را | بنویسید.

دانه باشی مرغکانت بر چند غنچه باشی کودکانت برکنند **مولوی**

ترصیع دارد زیرا همه ی سجع های آن متوازی است.

بدان حجت که دل را زنده دارد بدان آیت که جان را بنده دارد **نظامی**

موازنه دارد زیرا واژه های دل و جان سجع متوازن هستند و بقیه کلمات سجع متوازیند. خوشا چون سروها استاندنی .. موازنه است زیرا واژه های «سرو» و «برگ» سجع متوازن دارند.

خوشا چون سروها استاندنی سبز خوشا چون برگ ها افتادنی سبز **قیصر امین پور**

ترصیع دارد .

برنداز برای دلی بارها خورند از برای گلی خارها **سعدی**

ترصیع دارد زیرا واژه ها دو به دو سجع متوازی دارند.

ما چوناییم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست **مولوی**

بیت ظاهرا ترصیع دارد . اما در این نظرات متفاوت وجود دارد . طبق تعریف کتاب دو واژه کوهیم و ناییم سجع متوازی و آرایه ترصیع و اما اگر تنها کوه و نای را در نظر بگیریم سجع متوازن و ترصیع دارد.

۴-بیت زیر را تقطیع هجایی کنید.

دانه باشی مرغکانت بر چند غنچه باشی کودکانت برکنند **مولوی**

| | | |
|------------|------------|----------|
| دا ن با شی | مر غ کا نت | بر چ نند |
| غن چ با شی | کو د کا نت | بر ک نند |
| --U-- | --U-- | -U- |
| فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن |

خودارزیابی درس دهم «زبان و ادبیات فارسی در سده های ۱۵ و ۱۶ و ویژگی های سبکی آن»

۱- تحوّل اساسی شعر این دوره در چه زمینه هایی صورت گرفت؟

تا حدود نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم شعر پارسی همچنان تحت تاثیر سبک دوره سامانی و غزنوی است گروهی از شاعران این دوره ، در عین تقلید از پیشینیان ، ابتکارات و نوآوری هایی داشتند که موجب دگرگونی و تحول در سبک شعر شد . علاقه مندی شاعران به سرودن غزل های لطیف و زیباست . انوری و هم سبکان او در

آوردن مضامین دقیق در غزل کوشیدند. **تحولی که سنایی و انوری** در غزل ایجاد کردند سبب شد که در قرن هفتم شاعران بزرگی نظیر: مولوی، عطار، سعدی و... در غزل ظهور کنند و این نوع از شعر فارسی را به اوج برسانند **عطار و مولوی به پیروی از سنایی به تصوف و عرفان** روی آوردند. شعر این دوره از نظر سبک گویندگی و موضوع تنوع یافت و در شاخه ها و رشته هایی هم چون مدح، هجو، طنز، وعظ، حکمت، داستان سرایی، تغزل و حماسه به کار گرفته شد. **با خروج شعر از دربارها و ورود آن به خانقاه**، دامنه ی موضوعات آن گسترش یافت و بر سادگی بیان، قدرت توجه به حکمت و دانش و اندیشه های دینی عواطف، عمق و افکار و اندیشه ی موضوع شعر پارسی افزوده شد، **بدبینی شاعران نسبت به دنیا، شکایت از روزگار**، طرح **نابه سامانی های اجتماعی از مضامین برجسته** ی شعر این دوره است.

۲ ویژگی های شعر دوره اول (از قرن سوم تا میانه قرن پنجم) و دوم (از نیمه دوم قرن پنجم و قرن ششم) را با هم مقایسه کنید.

الف) «**زبانی**»: در دوره اول (سبک خراسانی)، کاربرد واژگان عربی کمتر است اما در دوره دوم (سبک عراقی) لغات و ترکیبات عربی فراوان دیده می شود.

«**زبانی**» در دوره اول زبان شعر ساده است، اما در دوره دوم سادگی و روانی سخن کمتر می شود.

الف) «**ادبی**»: در دوره اول قالب عمده شعر قصیده است اما در دوره دوم قالب شعر بیشتر غزل و مثنوی است

در دوره اول، قافیه و ردیف بسیار ساده است، اما در دوره ی دوم، ردیف های فعلی و اسمی دشوار در شعر رایج می شود.

پ) «**فکری**»: در دوره اول، شعر واقع گراست و معشوق عمدتاً زمینی است اما در دوره دوم عرفان گسترش می یابد و معشوق دیگر زمینی نیست.

۳ دلایل گرایش نویسندگان به فارسی نویسی در این دوره چیست؟

الف) گسترش عرفان و تصوف

ب) شکل گیری دولت سلجوقی و بهره گیری از دبیران و نویسندگان تربیت یافته در خراسان و عراق



۴ با توجه به این شعر، به پرسش‌ها، پاسخ دهید.

آمد نفس صبح و سلامت نرسانید
بوی تو نیاورد و پیامت نرسانید
یا تو به دم صبح، سلامی نسپردی
یا صبحدم از رشک، سلامت نرسانید
من نامه نوشتم به کبوتر بسپردم
چه سود که بختم سوی بامت نرسانید
بر باد سپردم دل و جان، تا به تو آرد
زین هر دو ندانم که کدامت نرسانید
عمری است که چون خاک، جگر تشنه عشقم
و ایام به من، جرعه جامت نرسانید
خاقانی، ازین طالع خود کام چه جویی؟
کاو چاشنی کام به کامت نرسانید

خاقانی شروانی

الف) دو ویژگی ادبی را بنویسید.
ب) کدام ویژگی‌های زبانی در شعر دیده می‌شود؟
پ) قلمرو فکری این غزل را بررسی کنید.

الف- ویژگی ادبی:

الف صحبت کردن با صبح: تشخیص

ب- تشبیه: من چون خاک هستم.

پ- جناس: همسان کام، کام

ت- قالب: غزل

ث- وجود ردیف فعلی

ب) ویژگی زبانی:

ب - استفاده از ترکیبات نو: چاشنی کام

پ- از بین رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی

ت- فارسی بودن اغلب واژه‌ها

ث- کوتاه و ساده بودن جمله‌ها

ج- ساختمان ساده داشتن بیشتر کلمات: نفس، صبح

پ) ویژگی فکری:

چ- توجه به احوال شخصی و مسائل روحی یار نبودن بخت و اقبال با شاعر بیان نامرادی و ناکامی شاعر،

ح- پیام درون گرایی

۵ کدام یک از ویژگی های نثر این دوره را، در متن زیر، می بینید؟

آورده اند که به فلان شهر، درختی بود و در زیر درخت، سوراخ موش، و نزدیک آن، گربه ای خانه داشت؛ و صیادان آنجا بسیار آمدندی. روزی صیاد دام بنهاد. گربه در دام افتاد و بماند و موش به طلب طعمه از سوراخ بیرون رفت. به هر جانب برای احتیاط، چشم می انداخت و راه سره می کرد، ناگاه نظر بر گربه افگند. چون گربه را بسته دید، شاد گشت. در این میان از پس نگریست. راسویی از جهت او کمین کرده

بود؛ سوی درخت التفاتی نمود. بومی قصد او داشت. بترسید و اندیشید که اگر بازگردم، راسو در من آویزد و اگر برجای قرار گیرم، بوم فرود آید و اگر پیش تر روم، گربه در راه است. با خود گفت: در بلاها باز است و انواع آفت به من محیط و راه مخوف، و با این همه، دل از خود نشاید برد....

کلیله و دمنه، نصرالله منشی

الف- استفاده از آرایه های ادبی: در بلا: استعاره، مراعات نظیر: **گربه، موش، راسو، بوم**

ب- رواج نثر داستانی که متن این درس نیز **داستانی** است.

ج- به کار گیری واژه های مهجور عربی: **التفات، مخوف**

د- حذف افعال به قرینه مثل: درختی بود و زیر درخت، سوراخ موش (**بود**) که حذف به قرینه لفظی دارد



خودارزیابی درس یازدهم «قافیه»

خودارزیابی

۱ در بیت زیر حروف قافیه را مشخص کنید.

در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم

گر شکوه ای دارم زدل، با یار صاحب دل کنم

رهی مُعیر؟

کنم: ردیف واژه های قافیه: بی حاصل، صاحب دل حروف قافیه: ل قاعده ۲

۲ واژه های قافیه و حروف مشترک آن را در هر بیت، مشخص کنید.

● بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری زخم که غصه سرآید

حافظ

واژه های قافیه: سر، بر حروف قافیه: ر قاعده ۲

● نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر، دگر باره جوان خواهد شد

حافظ

واژه های قافیه: مشک فشان، جوان قافیه: ان قاعده ۲

● گوهر خود را هویدا کن، کمال این است و بس

خویش را در خویش پیدا کن، کمال این است و بس

میرزا حبیب خراسانی

واژه های قافیه: هویدا، پیدا حروف قافیه: ا قاعده ۱

۳ نوع قاعده قافیه را در هر بیت، مشخص کنید.

● من از دست کمانداران ابرو نمی یارم گذر کردن به هر سو

سعدی

قاعده ۱ / حرف مشترک: و

● آب آتش فروز، عشق آمد آتش آب سوز، عشق آمد

سنایی، حدیقه

قاعده ۲ / حرف مشترک: وز

● کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را؟

فروغی بسطامی

قاعده ۱ / حرف مشترک: ا

۴ در کدام بیت، «ردیف» وجود ندارد؟ دلیل خود را بنویسید.

● روز وصل دوستداران، یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد

حافظ

● گلاب است گویی به جویش روان همی شاد گردد ز بویش روان

فردوسی

بیت دوم؛ زیرا «روان» در دو مصراع هر کدام با معنایی متفاوت آمده است.

روان مصراع اول: جاری، رونده

روان در مصراع دوم: جان

۵ هر یک از اصطلاحات زیر را مقابل بیت مربوط به آن بنویسید.

«قافیه درونی، ذوقافیتین»

● ای از مکارم تو شده در جهان خبر

افکنده از سیاست تو، آسمان سپر

رشید و طواط

ذوقافیتین : جهان و آسمان : قافیه ۱ / خبر و سپر : قافیه ۲

● گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی

هم درد و داغ عالمی، چون پانهی اندر جفا

مولوی

قافیه درونی است؛ زیرا در درون مصراع واژه های «باغ، چراغ، داغ» قافیه هستند.

● یار مرا، غار مرا، عشق جگرخوار مرا

یار تویی، غار تویی، خواجه نگه دار مرا

مولوی

قافیه درونی است؛ زیرا در درون مصراع واژه های «یار، غار، جگرخوار، نگه دار» قافیه هستند.

۶ با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

نشود فاش کسی آنچه میان من و توست

تا اشارات نظر، نامه رسان من و توست

هوشنگ ابتهاج

(الف) ردیف کدام است؟

(ب) واژه های قافیه را مشخص کنید.

(پ) حروف و قاعده قافیه را بنویسید.

الف) من و توس (ب) میان، نامه رسان :واژه های قافیه (پ) «ان» حروف قافیه قاعده ۲

۷ شعر زیر را از نظر کاربرد قافیه و کوتاهی و بلندی مصراع ها با شعر «مهر و وفا» در کتاب فارسی سروده حافظ، مقایسه کنید.

«عاشقم بهار را / رویش ستاره در کویر را / رهنورد دشت های عاشقی! / پُر ز باده سپیده باد جام تو
ای که چون غزالِ تشنه / آب تازه می خورد / مزرع دلم ز جاری کلام تو / در غبار کام تو
چاره فسونگران و رهنان / در مُحاق مرگ، رخ نهفتن است / من که تشنه ام زلالی از سپیده را
من که جست و جوگرم / سرود های ناشنیده را، / شعر من که عاشقم / همیشه از تو گفتن است
ای که در بهار سبز نام تو / رسالت گل محمدی / شکفتن است!»

در شعر «مهر و وفا» از حافظ، رعایت قافیه نظم مشخصی دارد. در پایان مصراع اول و تمام مصرع های زوج، قافیه وجود دارد و طول مصراع ها برابر و یکسان است اما در این شعر سبک شعر متفاوت است و به شیوه نو شعر سروده است. در این شعر به کار گیری قافیه، محدودیت شعر کهن را ندارد. شاعر خود را اسیر قافیه نساخته است بلکه معمولاً در هر بخش سروده اش دو یا چند مصراع قافیه دار به کار برده است مانند: «جام» در مصراع چهارم، «کلام» در مصراع هفتم، و «کام» در مصراع هشتم با یکدیگر قافیه هستند.

۸ در هر یک از ابیات زیر:

الف) ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد)

ب) واژه ها و حرف یا حروف قافیه را تعیین کنید.

پ) حرف یا حرف های الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد)

ت) حرف یا حروف اصلی قافیه را مشخص کنید.

(الف)

● ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

حافظ

ردیف: کجاست واژه های قافیه: یار - عیار حروف الحاقی: --- حرف یا حروف اصلی: ار

(ب)

● کاشکی جز تو کسی داشتمی یا به تو دست رسی داشتمی

خاقانی

ردیف: داشتمی واژه های قافیه: کسی - دسترسی حروف الحاقی: ی حرف یا حروف اصلی: س

(پ)

● چندان که گفتم غم با طیبیان درمان نکردند مسکین غریبان

حافظ

ردیف: ----- واژه های قافیه: طیبیان - غریبان حروف الحاقی: ان حرف یا حروف اصلی: ب

(ت)

● بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

مولوی

ردیف: آرزوست واژه های قافیه: گلستانم - فراوانم حروف الحاقی: م حرف یا حروف اصلی: ان

«پایان»

خودارزیابی درس دوازدهم «جناس و انواع آن»

۱- در بیت های زیر، انواع جناس را مشخص کنید.

✓ در دل، عطش عشق خدایی ما راست دیوانه وصلیم و جدایی ما راست **قیصر امین پور**

خدایی و جدایی جناس ناهمسان اختلافی

✓ بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت **خیام**

جناس همسان «تام» گور در مصرع اول به معنی گور خر ، و در معنی مصرع دوم به معنی قبر

✓ بگفت از سوز کمتر گوی با مور که موران را قناعت خوش تر از سوز **پروین اعتصامی**

سوز و مور جناس ناقص اختلافی یا ناهمسان اختلافی

✓ در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را مَهر لب او بر در این خانه نهادیم **حافظ**

مَهر و مَهر جناس ناهمسان حرکتی

✓ زد به دلم در آتشی، عشق بتی که نام او زهره و آفتاب را زهره به آب می کند **نظامی**

زهره و زهره جناس ناهمسان حرکتی

✓ هر که گوید کلاغ چون باز است نشنوندش که دیده ها باز است **سعدی**

جناس همسان (تام) باز در مصرع اول نام پرنده شکاری و در مصرع دوم به معنی گشاده است.

✓ تا روانم هست نامت بر زبان دارم روان تا وجودم هست خواهد بود نقش در ضمیر **سعدی**

جناس همسان (تام)، روان اولی به معنی جان و روان دوم به معنی جاری

✓ غم خویش در زندگی خور که خویش به مرده نپردازد از حرص خویش **سعدی**

خویش اولی و در مصرع دوم به معنی خود و خویش دوم در مصرع اول به معنی «خویشاوند و قوم»

✓ آسمان صاف و شب آرام / بخت خندان و زمان رام / خوشه ماه فرو ریخته در آب / شاخه ها دست بر آورده به مهتاب **فریدون مشیری**

آرام و رام : جناس ناهمسان افزایشی

✓ وه چه بیگانه گذشتی، نه کلامی نه سلامی نه نگاهی به نویدی، نه امیدی به پیامی **شفیعی کدکنی**

سلامی و کلامی: جناس ناهمسان اختلافی

✓ به مُلک جم، مشو غره که این پیران رویین تن به دستانت به دست آرد، اگر خود پور دستانی **خواجوی کرمانی**

دستان: دست ها و دستان : لقب پدر رستم یعنی زال است : جناس تام یا همسان

✓ به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق مژه بر هم نزند، گر بزنی تیر و سنانش **سعدی**

جفا و قفا : جناس نامسان اختلافی

✓ مرا زمانه ز یارم به منزلی انداخت که راضی ام به نسیمی کز آن دیار آید **یغمای جندقی**

یار و دیار: جناس ناهمسان افزایشی

✓ ای دلیل دل گم گشته، خدا را مددی که غریب از نبرد ره، به دلالت برود **حافظ**

دلیل و دلالت: اشتقاق

✓ ای بسا شاعر، که او در عمر خود، نظمی نساخت وی بسا ناظم، که او در عمر خود، شعری نگفت **محمد تقی بهار**

شاعر و شعر / نظم و ناظم : جناس و اشتقاق

✓ گر تیغ برکشد که محبان همی زخم اول کسی که لاف محبت زند، منم **سعدی**

زخم و زند : جناس و اشتقاق / محبان و محبت: اشتقاق

۲- برای هریک از انواع جناس از کتاب فارسی خود، نمونه ای بنویسید.

دانش آموزان عزیز! لطفاً خودتان زحمت بکشید از انواع جناس که در این درس خوانده اید در کتاب فارسی دهم بیابید و بنویسید.



کارگاه تحلیل فصل چهارم

۱- ابیات زیر را بخوانید و آنها را تقطیع کنید.

■ چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی هاتف

| | | | |
|-----------------|------------|-------------|-------|
| پایه های آوایی | چشم دل با | ز کن کِ جان | بی نی |
| نشانه های هجایی | آن چ نا دی | دَ نی ست آن | بی نی |
| | - - U- | - U - U | - - |

■ ای مهر تو در دل ها وی مهر تو بر لب ها وی شور تو در سرها وی سر تو در جان ها سعدی

| | | | | |
|-----------------|---------|-------------|---------|--------------|
| پایه های آوایی | ای مه ر | تُ در دل ها | وی مه ر | تُ بر لب ها |
| نشانه های هجایی | وی شور | تُ در سر ها | وی سر ر | تُ در جان ها |
| | U-- | - - - U | U-- | - - - U |

■ آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟ بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا؟ شهریار

| | | | | |
|-----------------|------------|-------------|-------------|---------|
| پایه های آوایی | آ م دی جا | نم بِ قر با | ن ت و لی حا | لا چ را |
| نشانه های هجایی | بی و فا حا | لا کِ من اف | تا دِ ام از | پا چ را |
| | - - - U- | - - - U- | - - - U- | - U- |

■ بیا تا قدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمایم مولوی

| | | | |
|-----------------|-------------|-------------|-----------|
| پایه های آوایی | بِ یا تا قد | رِ یک دی گر | بِ دا نیم |
| نشانه های هجایی | کِ تا نا گه | زِ یک دی گر | ن ما نیم |
| | - - - U | - - - U | - - U |

■ کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تو را؟ فروغی بسطامی

| | | | | |
|-----------------|----------|-------------|-------------|----------|
| پایه های آوایی | کی رف تِ | ای زِ دل کِ | تَ من نا کُ | نم تُ را |
| نشانه های هجایی | کی بو دِ | ای ن هُف تِ | کِ بی دا کُ | نم تُ را |
| | U-- | U - U- | U-- U | - U- |

■ آینه ار نقش تو بنمود راست خودشکن، آینه شکستن خطاست نظامی

| | | | |
|----------------|------------|-------------|------------|
| پایه های آوایی | آ یِ نِ ار | نق شِ تُ بن | مو دِ راست |
|----------------|------------|-------------|------------|

| | | | |
|-----------------|--------------|--------------|--------------|
| نشانه های هجایی | خُد شِ کَ نا | یِ نِ شِ کِس | تَن خَ طاسِت |
| | - U U - | - U U - | - U - |

اگر پای در دامن آری چو کوه سرت ز آسمان بگذرد در شکوه **سعدی**

| | | | | |
|-----------------|----------|-----------|----------|--------|
| پایه های آوایی | ا گر پا | ی در دا | مَ نا ری | چُ کوه |
| نشانه های هجایی | - U - | - U - | - U - | - U - |
| | سَ رت زا | سِ مان بگ | ذَ رد در | ش کوه |

۲- نمونه زیر را از نظر ویژگی های قلمرو زبانی بررسی کنید.

جهانا چه بدمهر و بدخو جهانی چو آشفته بازار بازارگانی
 به درد کسان صابری اندر و تو به بدنامی خویش همداستانی
 به هر کار کردم تو را آزمایش سراسر فریبی، سراسر زبانی
 و گر آزمایشت صد بار دیگر همانی همانی همانی **منوچهری**

بیت سوم استفاده از شیوه بلاغی / به کار گیری اندر» به جای «در» / کاربرد کلمه «بازارگانی» به جای «بازرگانی» / تکرار واژه «همانی»، استفاده از واژگان فارسی

۳- نمونه های زیر را از نظر ویژگی های سبکی بررسی کنید.

(الف) شیخ ما را گفتند: «که فلان کس بر روی آب می رود». گفت: «سهل است چغزی و صعوه ای نیز بر روی آب می رود». گفتند: «فلان کس در هوا می پرد». گفت: زغن و مگس نیز در هوا می پرد». گفتند: «فلان کس در یک لحظه از شهری به شهری می رود». شیخ گفت: «شیطان نیز در یک نفس از مشرق به مغرب می رود. این چنین چیزها را چندان قیمتی نیست. مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخشید و بخرد و بفروشد و در بازار در میان خلق، ستد و داد کند و زن خواهد و با خلق درآمیزد و یک لحظه از خدای غافل نباشد.»
 «اسرارالتوحید، محمدبن منور»

سطح زبانی: به کار گیری لغات مهجور و کهنه «زغن، بخشید و در آمیزد» / آوردن «را» به معنی حرف اضافه «شیخ ما را گفتند» / کاربرد جملات کوتاه و کامل به ویژه در دو جمله پایانی / استفاده از واژه های عربی چغز، صعوه و ... / زن خواستن به جای ازدواج کردن و زن گرفتن

سطح ادبی: یک نفس: مجاز از لحظه و زمان اندک / تکرار واژه ها: فلان، هوا، گفتن و ... / مراعات نظیر: مشرق، مغرب و بخرد، بفروشد، داد و ستد و بازار

سطح فکری: مردان خدا و افراد با ایمان کسانی هستند که در میان مردم زندگی می کنند و هیچ وقت از یاد خدا غافل نیستند.

ب) زیرک گفت: آورده اند که زغنی بود، چند روز بگذشت تا از مور و ملخ و هوأم و حشرات که طعمه او بود، هیچ نیافت که بدان سدّ جوعی کردی. یک روز به طلب روزی برخاست و به کنار جویباری چون متصیّدی مترصد بنشست تا از شبکه آرزاق شکاری درافکند. ناگاه ماهی ای در پیش او بگذشت، زغن بجست و او را بگرفت، خواست که فرو برد؛ ماهی گفت: تو را از

خوردن من چه سیری بود؟ لیکن اگر مرا به جان امان دهی هر روزه ده ماهی از برف دی موی سپیدتر و پاکیزه تر بر همین جایگاه و همین ممر بگذرانم تا یکایک می گیری و به مراد دل به کار می بری و اگر واثق نمی شوی، مرا سوگندی مغلط ده که آنچه گفتم، در عمل آرم. زغن گفت: بگو به خدا، منقار از هم باز رفتن و ماهی چون لقمه تنگ روزیان در آب افتادن یکی بود.

چرخ از دهنم نواله در خاک افکند دولت قدحم پیش لب آورد و بریخت

و او خایب و نادم بماند. «مرزبان نامه، سعدالدین وراوینی»

■ سطح زبانی: به کار بردن شعر در میان نثر / به کار گیری فراوان از واژگان عربی: هوام، متصدید، مغلط جوع، ممر و... / آوردن ب بر سر فعل: بگرفت / آوردن «آنچه» به جای «آن چه» / می گیری و می بری، «می» اخباری به جای «ب» مضارع التزامی /

■ سطح ادبی: استفاده از آرایه های ادبی: تشخیص و استعاره در بیت پایانی / به کار بردن تشبیه: شبکه ارزاق :. اضافه تشبیهی، ماهی چون لقمه ...، ماهی چون برف دی ... /

■ سطح فکری: رواج نثر داستانی و اشاره به نقش حيله و تفکر و چاره سازی در رستن از بلایا / او در بیت نیز به نقش مقدر بودن روزی اشاره دارد.

۴- انواع جناس را در ابیات زیر مشخص کنید.

✓ وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم حمید سبزواری

باره و خاره: جناس ناهمسان اختلافی / خار و خاره: جناس ناهمسان افزایشی

✓ ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم پیغام دوستان برسانی بدان پری سعدی

پری یعنی پرواز کنی و پری مصرع دوم یعنی زیبارو: جناس تام یا همسان

✓ چو شد روز، رستم بپوشید گبر نگهبان تن کرد بر گبر ببر فردوسی

گبر و ببر: جناس ناهمسان اختلافی

✓ اگر تو فارغ از حال دوستان یارا فراغت از تو میسر نمی شود ما را سعدی

فارغ و فراغت: اشتقاق / ما و را: جناس ناهمسان اختلافی

✓ من که باشم در آن حرم که صبا پرده دار حریم حرمت اوست حافظ

حریم و حرمت: اشتقاق / حرم و حریم: جناس ناهمسان افزایشی و اشتقاق

✓ صبا خاک وجود ما، بدان عالی جناب انداز بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم حافظ

نظر و منظر: جناس ناهمسان افزایشی و اشتقاق

✓ من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم که چون فرهاد باید شست، دست از جان شیرینم سعدی

شیرین مصراع اول به معنی نام زنی و در مصرع دوم به معنی گوارا: جناس تام یا همسان

۵- الگوی حروف قافیه را در ابیات زیر بنویسید

✓ پرسیدم از هلال که قدت چرا خم است؟ گفتا خمیدن قدم از بار ماتم است فدایی

است: ردیف / خَم و ماتم : واژه های قافیه / حرف اصلی: م / قاعده ۲

✓ بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت سعدی

ردیف: _____ / واژه های قافیه: اردیبهشت و خشت / حروف قافیه: شت / قاعده ۲

✓ بوی بهار آمد، بنال ای بلبل شیرین نفس ور پای بندی هم چو من، فریاد می خوان از قفس سعدی

ردیف: _____ / واژه های قافیه: شیرین نفس و قفس / حروف قافیه: س / قاعده ۲

✓ صد شکر گویم هر زمان هم چنگ را هم جام را کاین هر دو بردند از میان هم ننگ را هم نام را قآنی

ردیف: را / واژه های قافیه: جام و نام / حروف قافیه: ام / قاعده ۲

✓ چو شد روز رستم بیوشید گبر نگیهان تن کرد بر گبر ببر فردوسی

ردیف: _____ / واژه های قافیه: گبر و ببر / حروف قافیه: بر / قاعده ۲

«پایان»

